



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



اعرف الحق تعرف امله

۱۷

سلسله پژوهش های اعتقادی

# غدیر آخرین جایگاه اعلام عمومی

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی الميلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه اعلام عمومی المجلد ۱۷
۶	مشخصات کتاب
۶	سرآغاز ... ص: ۷
۷	پیش‌گفتار ... ص: ۱۱
۱۳	امامت حضرت امیر مؤمنان علی (ع) ... ص: ۲۷
۱۳	اشاره
۱۴	امامت به دست خداوند است ... ص: ۲۸
۱۴	از عالم نور تا روز انذار ... ص: ۲۹
۱۶	از روز انذار تا غدیر ... ص: ۳۳
۱۸	حدیث غدیر ... ص: ۳۸
۲۰	ویژگی‌ها و امتیازات غدیر ... ص: ۴۳
۲۳	عنایت و اهتمام به حدیث غدیر ... ص: ۴۹
۲۵	شواهد حدیث غدیر ... ص: ۵۳
۲۶	موضع گیری‌های ضد و نقیض ... ص: ۵۶
۲۸	غدیر و علما و دانشمندان ... ص: ۶۰
۲۸	معنای حدیث غدیر ... ص: ۶۲
۲۹	تشکیک‌ها و ایرادها ... ص: ۶۴
۳۲	بین غدیر و حوض کوثر ... ص: ۶۹
۳۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه اعلام عمومی المجلد ۱۷

### مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان قرارداد: حدیث الغدیر التبلیغ الاخیر لامامه الامیر. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: غدیر آخرین جایگاه اعلام عمومی / علی حسینی میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی.

مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی □ ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۷۹ ص.

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۱۷.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۱۹-۴

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتاب حاضر یکی از مقالات ارائه شده در همایشی تحت عنوان "همایش امام علی علیه السلام □ بزرگداشت چهاردهمین قرن برپائی غدیر" در لندن در سال ۱۳۶۹ است.

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Ali Husayni Milani. Ghadir, the last position for public declaration.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۷۵] - ۷۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت

موضوع: غدیر خم

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵۴ ح-۵۸۵ ح-۴۰۴۱ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۴۴۰۹۴

### سرآغاز ... ص: ۷

... آخرین و کامل ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۸

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نباید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، با توطئه‌هایی از پیش مهیا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان تاب بود- پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرّزبار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلّی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پر فروز می درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۹

واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّم له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد. امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیه الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۱۱

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

### پیش گفتار ... ص: ۱۱

در سال ۱۴۱۰ هجری قمری برابر با ۱۳۶۹ هجری شمسی، به مناسبت هزار و چهارصدمین سال برپایی واقعه غدیر به همت برخی مؤسّسات شیعی خارج از ایران، همایش بین المللی بزرگی در لندن برگزار شد. در آن همایش اندیشمندان و صاحب نظران نامور بسیاری از کشورهای جهان حضور داشتند. نوشتاری که اکنون پیش روی شماست؛ یعنی غدیر آخرین جایگاه اعلام عمومی به همین مناسبت و به منظور قرائت در این همایش جهانی نگارش یافته است.

البته متن حاضر به عنوان پیش گفتار آن پس از برگزاری همایش و خطاب به شرکت کنندگان و دست اندرکاران برپایی آن نگاشته شده است:

توفیقی حاصل شد که ما نیز در همایش بزرگ داشت غدیر حضور

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۱۲

یابیم و پای سخن برخی از بزرگان دانش و اندیشه نشسته و بهره‌ای گیریم و استفاده ببریم؛ از این رو لازم می‌دانم پیش از هر سخن از تمام زحمات و تلاش‌های مادی و معنوی به عمل آمده در راه برگزاری این محفل فرهنگی و از استقبال و پذیرایی نیکوی برگزار کنندگان آن تقدیر و تشکر نمایم.

با این حال احساس مسئولیت مرا بر آن می‌دارد که نکاتی چند را نیز پیرامون این همایش و مقالات و سخنان ارائه شده در آن متذکر شوم و امید آن دارم که به این وسیله، باری را که بر دوش خود احساس می‌کنم به مقصد رسانده و وظیفه خویش را به انجام رسانم.

چنان که نیک می‌دانیم این همایش به نام «همایش امام علی علیه السلام و بزرگداشت چهاردهمین قرن برپایی غدیر» و به همین مناسبت فرخنده برگزار شد. ما نیز به این محفل دعوت شده بودیم و مقالات و سخنان خویش را نیز به همین مناسبت آماده کرده بودیم.

پرواضح است که مقصد و مقصود نهایی از برپایی چنین گفتمانی بیان و تبیین حقایق و واقعیت‌هایی مرتبط با واقعه عظیم غدیر خم خواهد بود.

اما متأسفانه تریبون همایش به صحنه طرح آرا و نظریاتی که جایگاه طرح آن‌ها زمان و مکان دیگری بود تبدیل گشت، گرچه این نظرات نیز از حس دینی برخاسته بود؛ آن چنان که جناب مستطاب آقای سید مرتضی عسگری نیز بدان اشاره نمودند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۱۳

امّا اگر برگزار کنندگان این همایش بین المللی از تحوّل موضوع گفتمان از «غدیر خم» به «وحدت بین فرق اسلامی» آگاهی داشته‌اند، چگونه است که به اطلاع میهمانان و دعوت شدگان نرسانده‌اند تا همگی موضوع سخن و نوشتار خویش را بر اساس آن تنظیم کنند، نه آن که فقط برخی چنین کنند و اگر برگزار کنندگان نیز از این تغییر آگاه نبوده‌اند، چگونه و چرا چنین تغییری صورت گرفته است؟

اینک نکاتی را پیرامون سخنان برخی فضلا و اساتید گرامی بیان می‌کنیم.

در این همایش، جمعی از آقایان محترم که در سخنان خویش به مسأله وحدت بین فرقه‌های اسلامی پرداختند. برخی فقط به دعوت دیگران به این امر اکتفا نموده و راهکاری برای ارائه نداشتند و برخی نیز راهکارهایی را مطرح فرمودند که البته آن چه را که هر یک از این آقایان ارائه نمود- آقای سید مرتضی عسگری، شیخ محمد مهدی شمس الدین و شیخ بوطی- با دیگری تفاوت اساسی و مبنایی داشت.

در این میان طرح دیگری نیز وجود دارد که ای کاش قبلاً آماده کرده و اجازه قرائت در همایش را می‌یافت. این طرح را نگارنده، از جدّ عظیم الشان مرجع بزرگ شیعه، آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی رحمه الله اخذ کرده‌ام و اکنون در منظر دید و اندیشه شما قرار می‌دهم و بر شماست که آن چه را نیکوتر است برگزینید که این فرمان

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۱۴

خدا در کتاب عزیزش است که فرمود:

«فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»؛ «۱»

پس بندگان مرا مژده ده؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند.

همگی نیک می‌دانیم که قرآن کریم مسلمانان را به وحدت فراخوانده و از اختلاف و جدایی بر حذر داشته است، آن جا که خدای



متعال فرموده است:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ «۲»

همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و از تفرقه پرهیزید.

و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله- که به تعبیر قرآن «بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» «۳»

بر مراعات حال مؤمنان حریص و شفقت مهربانیش بر آنان زبانزد و آشکار بود و به خوبی می دانست پس از وفاتش چه خواهد شد- فرموده:

ستفترق امتی علی ثلاث وسبعین فرقه؛ «... ۴»

پس از من به زودی امتم ۷۳ گروه خواهند شد...

(۱). سوره زمر: آیه ۱۷ و ۱۸.

(۲). سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

(۳). سوره توبه: آیه ۱۲۸.

(۴). ر. ک: فیض القدیر: ۵/ ۴۹۰، مناقب آل ابی طالب: ۲/ ۲۷۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۱۵

همگان را به وحدت و یکپارچگی امر فرموده و از جدایی و تفرقه بر حذر داشته‌اند.

حال با توجه به این که آن حضرت می دانستند که پس خود چه خواهد شد و نسبت به امت کمال شفقت را داشتند و همگان را از تفرقه و جدایی بر حذر داشته‌اند، آیا می شود باور کرد که خودشان راهکاری پیش روی امت قرار نداده و آنان را برای رسیدن به مقصد که همانا هدایت و رستگاری و نجات در آخرت است، راهنمایی نکرده باشند؟

آیا می شود باور کرد که آیه مبارکه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» «۱»

را تفسیر نکرده و مصداق «حبل الله» را که مراد خداوند متعال است معین نکرده باشند؟

اگر آن حضرت راه را ارائه فرموده و آیه مبارکه را تفسیر نموده باشند که تفسیر ایشان نیز وحی الهی است که فرمود:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ». «۲»

آیا درست است که به گفته دیگران گوش دهیم و یا دور خود جمع شده و برای اسلام و مسلمانان از خودمان فکر کنیم؟

حال اگر ما اهمیّت و ضرورت وحدت اسلامی را از سخن گفتن

(۱). سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

(۲). سوره نجم: آیات ۳ و ۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۱۶

درباره حدیث غدیر و دلالت آن بر امامت و ولایت برتر می انگاریم و معتقدیم که علم کلام موجب تفرقه بین مسلمانان است- آن گونه که آقای شیخ محمد مهدی شمس الدین بیان کرد- و گویا که بزرگان شیعه و اهل سنت، زندگی خود را در مباحثی که هیچ ثمری نداشته گذرانده و هم چنان می گذرانند؛ چرا به خدا و رسولش مراجعه نمی کنیم تا راه وحدت میان مسلمانان را از کتاب و سنت اخذ کنیم با آن که خدای سبحان در هر امر مورد اختلافی به رجوع به این دو فرمان داده و فرموده است که:

«فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ «۱»

پس هر گاه در امری نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر او باز گردانید.

و آن گاه درباره آن چه از آن حضرت رسیده فرموده:

«وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ «۲»

و آن چه را پیامبر برای شما آورده بپذیرید و از آن چه شما را باز داشته، خودداری کنید.

آری، رسول الله راه را نشان داده‌اند و به امت وصیت فرموده‌اند.

حدیثی داریم که همگی آن را روایت می‌کنیم؛ اما چه خوب است

(۱). سوره نساء: آیه ۵۹.

(۲). سوره حشر: آیه ۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۱۷

بیاییم همگی به آن عمل کنیم! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنْ تَمَسَّيْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي وَقَدْ تَبَأْنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا

حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا؛

من دو چیز گران بها در میان شما می‌گذارم: کتاب خدا و عترت و خاندانم؛ مادامی که به آن‌ها تمسک کنید، هرگز پس از من

گمراه نخواهید شد. به راستی که خداوند آگاه و دانای رازها به من خبر داد که این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این که کنار

حوض کوثر بر من وارد شوند. پس بنگرید که پس از من چگونه با آن‌ها رفتار می‌کنید.

حدیث ثقلین را مسلم نیشابوری، احمد بن حنبل، ترمذی، و بسیاری دیگر نقل کرده‌اند. «۱» با کمی تأمل می‌یابیم که این حدیث به

روشنی تفسیر «حبل الله» را برای ما بیان می‌دارد، به خصوص که در برخی از عبارتهای دیگر این روایت آمده است که حضرت

فرمودند:

مَا إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِمَا؛

مادامی که به آن دو تمسک کنید.

(۱)

. صحیح مسلم: ۱۲۲/۷ و ۱۲۳، مسند احمد: ۱۴/۳، ۱۸۲/۵ و ۱۸۹، سنن ترمذی: ۳۲۹/۵، المستدرک علی الصحیحین: ۱۱۰/۳ و

۱۴۸، مجمع الزوائد: ۱۶۲/۹ و ۱۶۳، المصنّف ابن ابی شیبّه: ۱۷۶/۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۱۸

افزون بر این، از پیشوای ششم امام صادق علیه السلام نیز در ذیل این آیه روایت شده که فرمودند:

نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ؛ «۱»

ما همان حبل الهی هستیم.

اگر نیک بنگریم می‌یابیم که به یقین این حدیث بهترین نقطه اشتراک و قدر جامع تمام امت اسلام است و از این روست که به

پیروان فرقه‌های دیگر می‌گوییم - چنان که آقای سید مصطفی جمال الدین در قصیده خود گفتند - قدم در طرف نزدیک شدن با ما

بگذارید، ما به شما نزدیک خواهیم شد.

اینک نکاتی درباره طرح وحدت شیخ بوطی لازم است به عرض برسانم:

ایشان در سخنان خود، بر حدیث غدیر هیچ اشکالی نداشت، نه در سند و نه در دلالت آن؛ ما بدین جهت از او متشکریم؛ زیرا برخی از علمای فرقه او حاضر نشده‌اند حدیث را روایت کنند و بعضی نیز عبارات آن را تحریف نموده و جمعی دلالت آن را انکار کرده‌اند؛ بلکه یکی از آنان حتی حضور حضرت امیر علیه السلام را روز غدیر خم منکر شده است!

هم‌چنین جناب شیخ بوطی بر وجوب محبت اهل بیت علیهم السلام

(۱). المحتضر: ۳۲۷، تفسیر فرات: ۹۰، حدیث ۷۳، تفسیر ثعلبی: ۱۶۳/۳، شواهد التنزیل: ۱/۱۶۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۱۹

تأکید نمود که البته این موضوع به دلیل و برهان نیازی ندارد و نشانه اسلام به شمار می‌آید.

هم‌چنین جناب شیخ بوطی اقتدا به اهل بیت علیهم السلام را لازم و ضروری دانست و گفت لازمه هر محبتی اطاعت از محبوب است که «إِنَّ الْمَحَبَّ لَمَنْ يَحِبُّ مَطِيعٌ».

سپس معلوم شد که این مطالب خوب را به جهت زمینه سازی برای کلام بعدی خود مطرح نموده، وی گفت:

والله، لو خالف علی أبا بکر لتابعناه ولکنه باع أبا بکر؛

به خدا سوگند، اگر علی با ابوبکر مخالفت می‌کرد ما نیز از او پیروی می‌کردیم، ولی او با ابوبکر بیعت کرد.

پس شما که شیعیان علی هستید نیز باید تبعیت کنید و این است معنای وحدت.

پاسخ ما این است که درست است که امیر مؤمنان علی علیه السلام در مقابل آن چه سقیفه از او ستاند، سکوت اختیار کرد؛ اما آیا گمان می‌برید سکوت آن حضرت به معنای بیعت و رضایت اوست؟

چنان که می‌دانید و در مباحث فقهی نیز به اثبات رسیده که سکوت اعم از رضایت و عدم رضایت است، جز در یک یا دو مورد خاص.

جناب شیخ بوطی در ادامه تلاش نمود بر تئوری سکوت امیرالمؤمنین علیه السلام در قبال ماجرای سقیفه، شواهدی نیز ارائه نماید

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۲۰

و در این راستا به موضع خیرخواهانه حضرت علی علیه السلام به هنگام اقدام ابوبکر و عمر برای جنگ و خیرخواهی آن بزرگوار برای عثمان هنگامی که در محاصره مسلمانان قرار گرفته بود اشاره نمود.

اما جناب شیخ بوطی از این نکته غافل شده‌اند که خیرخواهی و نصیحت کسی که مشورت در کاری را می‌طلبد شأن هر مسلمان؛ بلکه هر انسان خردمند است و این نیز به معنای رضایت از اشخاص و پیروی و موافقت با آنان نیست.

البته جناب شیخ از خودداری امیر مؤمنان علی علیه السلام از بیعت با ابوبکر که تاریخ‌نگاران بر آن هم نظرند، هیچ سخنی به میان نیاورد، همان گونه که در خطبه شمشیه گوشه‌هایی از این ماجرا به روشنی توسط خود امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شده است.

علاوه بر این جا دارد که به جناب شیخ بگوئیم: درباره فاطمه زهرا علیها السلام چه می‌گویید؟ همو که رسول خدا صلی الله علیه وآله وی را پاره تن خویش معرفی کرد- که به سبب صحت این روایت و متفق بودن راویان بر آن، برخی بزرگان حدیث هم چون سهیلی و قرطبی با استناد به این حدیث آن بانو را از تمامی اصحاب پیامبر برتر و افضل دانسته‌اند- آیا آن عزیز رسول خدا صلی الله علیه وآله به خلافت ابوبکر رضایت داشته است؟

مگر در حدیث صحیحی نیامده که

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۲۱

من مات ولم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة؛ «۱»

هر که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

پس امام آن بانو که بوده است؟

مگر مدعای شیخ این نیست که به خدا سوگند! اگر علی علیه السلام با ابوبکر مخالفت می کرد به یقین ما هم به او اقتدا می کردیم؟ خوب ما هم می گوئیم: به خدا سوگند! نظر علی علیه السلام همان نظر فاطمه علیها السلام بوده، اگر فاطمه علیها السلام با ابوبکر بیعت می کرد ما نیز به یقین به او اقتدا می کردیم.

وی در تکمیل طرح خویش گفت:

وَإِنَّ عَلِيًّا حَارِبٌ مَعَاوِيَةَ وَنَحْنُ مَعَ عَلِيٍّ فِي حَرْبِهِ مَعَ مَعَاوِيَةَ؛

و به راستی علی با معاویه جنگید و ما نیز با علی هستیم در جنگ او با معاویه.

پس اختلاف در کجا است که نیاز به وحدت و ترک اختلاف داریم؟

وی گفت:

منطقة الخلاف من الحسن المجتبی إلى الحسن العسكري، وهذا

(۱). الملل والنحل: ۱/ ۱۹۲، شرح المقاصد: ۲/ ۲۷۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۲۲

الاختلاف اجتهادی؛

محل خلاف بین ما و شما از حسن مجتبی تا حسن عسکری است و این اختلاف اجتهادی است و نباید باعث تفرقه مسلمانان شود.

عجب (!! ائمه ما باعث اختلاف هستند؟!)

باید گفت که حدیث «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ» ... به همراه حدیث «الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ» ... (۱)

- با آن که همگی بر صحت آن هم نظرند و باز هم عده‌ای از اهل سنت پس از نقل آن، خود را به زحمت انداخته و سعی نموده‌اند

معنای آن را به تحریف بکشانند- دلیلی است روشن و استوار بر امامت دوازده امام از ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله.

البته احادیث بسیار دیگری نیز وجود دارد که جناب مستطاب آقای عسگری در سخنانشان به برخی از آن‌ها اشاره فرمودند.

پیروی از دوازده امام و اقتدای به ایشان در تمام امور دینی و دنیوی وصیت و سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله است و یگانه

راهی است که رسول خدا برای رستگاری و نجات امت ارائه فرموده و این سخن که «امامت اینان مسأله‌ای اجتهادی است و به همین

سبب مورد اختلاف قرار گرفته» سخنی به دور از انصاف و عدل است.

آقای بوطی در ادامه طرح وحدت خود گفت:

(۱). حدیث «الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي» یا «الخلفاء من بعدی اثنا عشر» از احادیث قطعی است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۲۳

ولو أَنَّ الْمَهْدِيَّ الَّذِي تَقُولُونَ بِهِ ظَهَرَ وَأَسَّسَ الدَّوْلَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ لِبَايَعَانِهِ مِثْلَكُمْ؛

اگر آن مهدی که به او عقیده دارید آشکار شود و دولت اسلامی تأسیس کند البته ما نیز مانند شما با او بیعت خواهیم کرد.

جا دارد گفته شود که امام مهدی علیه السلام دوازدهمین امام از امامان اهل بیت علیهم السلام است که رسول خدا صلی الله علیه

و آله آنان را قرین قرآن قرار داده و تصریح فرموده که آنان و کتاب خدا از یکدیگر جدایی ندارند تا روز حشر که این موضوع نیز

از جمع بین دو حدیث فوق- حدیث «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ» ... و حدیث «الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ» - ... به دست می آید.

البته حضرت مهدی، امام دوازدهم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده است و هم اکنون بر روی زمین زندگی می‌کند که اعتقاد به زنده بودن او نیز به شیعیان امامی اختصاص ندارد و گروه بسیاری از بزرگان اهل سنت به این موضوع اعتراف نموده و درباره آن بزرگوار کتاب‌ها نگاشته‌اند.

اکنون، باید از شیخ بوطی سؤال شود که: اگر امامت ائمه از حسن مجتبی تا حسن عسکری علیهم السلام را قبول ندارد، آیا بنی امیه، بنی مروان و بنی العباس را به امامت می‌پذیرد؟

آیا به امامت یزید که جمعی از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله را به خاک و خون کشید و دیگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام که پس از

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۲۴

وی بر مسند حکومت نشسته‌اند معتقد است و باز هم سخن از وجوب محبت اهل بیت و اقتدا به آنان را زمزمه می‌کند؟ در پایان، آن چه بیان شد نکاتی نسبت به این همایش است و این چند صفحه، راهکاری برای وحدت بود که خدمت برادران فاضل و دانشمند تقدیم گردید تا کسی نگوید در حالی که مسلمانان در مواجهه با دشمن و در خطر هستند، نگارنده سخن از تفرقه و اختلاف به میان می‌آورد؛ بلکه معتقدم وحدت میان مسلمانان امری لازم و ضروری است؛ اما باید چگونگی آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد و نمی‌توان در چنین مسأله مهمی بر پایه آرا و نظرات غیر علمی سخن گفت - که بنا بر آن چه در تاریخ می‌بینیم - به ویژه تاریخ معاصر - مسلمانان در همه جوانب و در برابر هر دشمن مشترکی، اتحاد و یگانگی خود را حفظ می‌کنند - بلکه باید این موضوع به طور دقیق و علمی مورد کنکاش قرار گیرد و تمام جوانب آن به گفت و گو گذاشته شود تا راهکاری که از آن به دست می‌آید بر اساس مبانی همگان، مورد قبول واقع شود و پس از مطرح شدن در جامعه پایدار بماند. در پایان برای بر گزار کنندگان این همایش موفقیت و برای شرکت کنندگان آن توفیق خدمت را امید دارم.

۲۲ ذی حجه ۱۴۱۰ ه

علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۲۷

## امامت حضرت امیر مؤمنان علی (ع) ... ص: ۲۷

### اشاره

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير عباده محمد وآله الطاهرين واللعنة والعذاب على أعدائهم أعداء الله، من الأولين والآخرين.

روز غدیر، یادآور امامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و انتصاب آن عزیز بر این مقام والا است.

اما او کدامین گاه امام نبوده تا از انتصابش بر این جایگاه رفیع، در غدیر یا دیگر زمان سخن گوئیم؟

چه بسا این نکته بر برخی گران آمده و گویند: شگفتا از اینان! ما اثبات اصل امامت او را طلب می‌کنیم و خواهان دلیل بر جانشینی بی‌واسطه وی پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله هستیم، حال اینان می‌گویند: او کدامین زمان امام نبوده است؟

معنای چنین ادعای بزرگی چیست؟ و راه اثبات آن کدام است؟

به بیانی روشن تر آن چه را ما مدعی آنیم، این سخن است که از

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۲۸

همان زمان که سرور ما محمد مصطفی صلی الله علیه وآله پیامبر بوده، مولای ما علی مرتضی علیه السلام نیز امام و وصی او بوده است و خدای متعال در همان گاه که اراده و مشیتش بر نبوت و پیامبری آن بزرگوار تعلق گرفته، بر امامت این عزیز نیز تعلق یافته است.

چه بسا این کلام برگوش برخی ناآشنا و بر سینه بعضی گران آمده از آن رخ برتابند؛ ولی سزد پیش از آن که کلام مدعی را شنوی به شتاب داوری نکن؛ پس نیک بنگر که راه این است.

### امامت به دست خداوند است ... ص: ۲۸

پیش از ورود به اصل بحث، بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که امامت عهد و پیمانی به سان نبوت است. پس به دست خدای متعال بوده و هیچ کس بدان مقام رفیع نائل نمی‌گردد، مگر آن را که او اراده فرموده باشد و خداوند سبحان نیز تعیین این امر را حتی به پیامبر خود صلی الله علیه وآله وامگذارده تا چه رسد به امت او.

بر این نکته برهان‌های محکم و دلیل‌های متقن بسیاری از کتاب الهی و سنت نبوی دلالت دارند. در روایتی نقل شده، نبی اکرم صلی الله علیه وآله حتی در سخت‌ترین اوضاع و احوال و در هنگامه‌ای که بیش از هر زمان به یاری و نصرت نیاز داشت، باز هم بر این امر تصریح می‌فرمود.

تاریخ نگاران و سیره نویسان آورده‌اند:

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۲۹

هنگامی که پیامبر خدا شریعت خود را بر قبایل عرب عرضه داشت، بعضی از آنان گفتند: «اگر ما بر آن چه می‌گوییم با تو بیعت کرده و هم پیمان شویم و خدا تو را بر مخالفان پیروز کند، آیا پس از تو رهبری این امر به دست ما خواهد بود؟» آن حضرت پاسخ داد:

الأمر إلی الله یضعه حیث شاء؛ «۱»

این امر به دست خداست و او به هر که بخواهد واگذار می‌کند.

پس چه کسی است که خداوند خواست امر امامت برای او باشد؟

و چه وقت درخواست کرد؟

### از عالم نور تا روز انذار ... ص: ۲۹

خداوند متعال در همان گاه که نبی اکرم صلی الله علیه وآله را آفرید، امیر مؤمنان علی علیه السلام را نیز خلق فرمود. آن دو بزرگوار در عالم نور یک نور و با هم آفریده شدند. سپس پروردگار سبحان اراده فرمود که محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله پیامبر باشد و علی بن ابی طالب علیهما السلام جانشین او و این امر از همان ابتدای آفرینش آن دو بزرگوار بود.

از این رو جانشینی و خلافت امیر مؤمنان علی علیه السلام در همان زمان

(۱). انسان العیون: ۱۵۴/۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۳۰

تثبیت شد که نبوت و پیامبری خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله تعیین گشت.

این موضوع را نبی اکرم صلی الله علیه وآله، همان راستگوی امین برای ما چنین بیان فرموده‌اند:

كنت أنا وعلی نوراً بین یدی الله عزّ وجلّ، یسبح الله ذلك النور ویقدّسه، قبل أن یخلق آدم بألف عام، فلمّا خلق الله آدم ركب ذلك النور فی صلبه، فلم یزل فی شیء واحد حتّى افترقنا فی صلب عبدالمطلب، ففیّ النبوءة وفی علیّ الخلافة؛ هزار سال پیش از آفرینش آدم، من و علی در نزد خدای عزّ وجلّ یک نور بودیم. آن نور خداوند را تسبیح و تقدیس می کرد تا هنگامی که پروردگار سبحان آدم را آفرید. آن گاه این نور را در صلب وی قرار داد. پس از آن نیز پیوسته این نور یکی بود تا سرانجام ما را در صلب عبدالمطلب به دو شاخه تقسیم فرمود و از این رو نبوت در من و جانشینی و خلافت در علی است. هم چنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إنّ الله عزّ وجلّ أنزل قطعةً من نور، فأسکنها فی صلب آدم، فساقتها حتی قسّمها جزءین، جزء فی صلب عبدالله، وجزء فی صلب أبی طالب، فأخرجنی نبیاً وأخرج علیاً وصیاً؛ «۱»

(۱). این حدیث را که به «حدیث نور» معروف است احمد بن حنبل شیبانی، ابوحاتم، عبدالله بن احمد، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، ابن عبدالبرّ، خطیب بغدادی، ابن مغزالی، دیلمی، ابن عساکر، رافعی، محبّ طبری، ابن حجر عسقلانی و دیگران نقل کرده‌اند. برای آگاهی بیشتر از این موضوع به جلد پنجم از موسوعه ما نفعات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار که از نظر سند و دلالت بحث شده، مراجعه شود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۳۱

خداوند عزّ وجلّ نوری فرو فرستاده و در صلب آدم جای داد و آن را به همان شکل سیر داده تا سرانجام به دو بخش تقسیم نمود. بخشی را در صلب عبدالله و بخش دیگر را در صلب ابوطالب به ودیعت نهاد. سپس مرانی و علی را وصی من از صلب پدرانمان خارج نمود. و بدین گونه همان زمان که سرور ما محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به نبوت برگزیده شد، مولای ما علی مرتضی علیه السلام نیز به جانشینی و امامت بعد او انتخاب گردید...

سپس آن بزرگوار، پیامبر، زاده شد و این بزرگوار امام پس از او... و چون آن حضرت مبعوث گشت این عزیز اول مسلمان شد. «۱»

(۱). پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اصحاب به این امر شهادت داده‌اند، و شخص امیر مؤمنان علی علیه السلام در موارد متعددی آن را بیان فرموده‌اند. ر. ک: المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۶، سنن ابن ماجه: ۱/ ۵۷، الخصائص نسائی: ۳، الاستیعاب: ۲/ ۴۵۷، اسد الغابه: ۴/ ۱۸، حلیة الاولیاء: ۱/ ۶۶، تاریخ طبری: ۲/ ۲۱۳، مجمع الزوائد: ۹/ ۱۰۲، تاریخ بغداد: ۴/ ۲۳۳، سنن ترمذی: ۲/ ۲۱۴ و دیگر منابع. البته اگر کسی بحث ما را ملاحظه کند خواهد دید که منظور از نخستین مسلمان همان معنای گفتار خداوند متعال است که می فرماید: «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ»؛ «بگو من مأمورم که نخستین مسلمان باشم»؛ (سوره انعام: آیه ۱۴).

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۳۲

و هنگامی که آن حضرت خویشان و نزدیکان خود را هشدار داده و به یاری دعوت نمود، «۱» فقط این گرامی با او بیعت کرده و هم پیمان شد؛ همان زمان که فرمود:

یا بنی عبدالمطلب! إِنِّي بعثت لكم خاصّةً وإلى الناس عامّةً فأیکم یبایعنی علی أن یكون خلیفتی؟ ای فرزندان عبدالمطلب! من برای شما به طور خاص و برای همه مردم به طور عمومی مبعوث شده‌ام؛ پس کدام یک از شما با من بیعت می کند تا جانشین من گردد؟



والبته تنها کسی که به آن حضرت پاسخ داد امیرالمؤمنین علیه السلام بود. «۲» گویا آن بزرگوار که این گونه پرسید و اعلام فرمود، مأمور شده

(۱). سوره شعراء: آیه ۲۱۴.

(۲). این حدیث را که به «حدیث الدار» معروف است محدثان، تاریخ نگاران و سیره نویسان نقل کرده‌اند: از جمله احمد بن حنبل در مسند: ۱/ ۱۱۱، نسائی در الخصائص: ۱۸، طبری در تاریخ: ۲/ ۲۱۶، ابن اثیر جزری: ۲/ ۲۴، متقی هندی در کنز العمال: ۶/ ۳۹۲، ۳۹۷، حلبی در سیره: ۱/ ۳۰۴، هیشمی و دیگر عالمان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۳۳

بود تا از اراده الهی و تقدیر وی در عالم ذر پرده افکند و بدین طریق سنگ زیرین امامت این عالم را در آن روز بنا نهد.

### از روز انذار تا غدیر ... ص: ۳۳

از آن روز به بعد، نبی اکرم صلی الله علیه و آله در هر فرصت و موقعیت و در میان هر گروه و جماعت و در هر جنگ و نبرد از این حقیقت پرده برمی داشت و با عبارات و کلمات مختلف آن را به دیگران می‌رساند...

گاه او را به پیامبران تشبیه می‌کرد و می‌فرمود:

من أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَإِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ، وَإِلَى مُوسَى فِي مَنَاجَاتِهِ، وَإِلَى عِيسَى فِي سَمْتِهِ، وَإِلَى مُحَمَّدٍ فِي تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ وَجَمَالِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا الرَّجُلِ الْمَقْبُولِ؛

هر که می‌خواهد به علم آدم و فهم و درایت نوح و راز و نیاز موسی و سکینه و وقار عیسی و کمال و جمال محمد بنگرد، به این مرد که نزد من می‌آید نگاه کند.

هنگامی که حاضران سرهایشان را بلند کردند و برای دیدن این شخص گردن‌هایشان را کشیدند، تنها علی علیه السلام را دیدند. «۱»

(۱). این حدیث را که به «حدیث الأشباه» معروف است، عبدالرزاق بن همام، احمد بن حنبل، ابوحاتم رازی، ابن شاهین، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، بیهقی، ابن مغزلی، دیلمی، محب طبری، و گروه دیگری نقل کرده‌اند و ما درباره سند و متن آن در موسوعه نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار بحث کرده‌ایم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۳۴

در جای دیگر مقام و منزلت او را نسبت به خویش مانند منزلت هارون نسبت به موسی بر می‌شمرد و می‌فرمود:

أَنْتَ مَنْى بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ «۱»

تو برای من مانند هارون برای موسی هستی جز آن که پس از من پیامبری نخواهد بود.

در زمانی دیگر برتری وی را به سبب داشتن مهم‌ترین صفت و خصوصیت امام - یعنی علمیت - اعلام نموده و می‌فرمود:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا؛ «۲»

(۱). حدیث منزلت را عده‌ای از دانشمندان اهل سنت از جمله بخاری، مسلم نیشابوری، احمد بن حنبل، ابوداود طیالسی، ابن سعد، ابن ماجه، ابن حبان، ترمذی، طبری، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، خطیب بغدادی، ابن عبدالبر، ابن حجر عسقلانی و دیگران نقل کرده‌اند. ما در موسوعه نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار از نظر سند و دلالت درباره آن بحث کرده‌ایم.



(۲). این حدیث را عبدالرزاق بن همام، یحیی بن معین، احمد بن حنبل، ترمذی، بزار، طبری، طبرانی، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، ماوردی، خطیب بغدادی، ابن عبدالبر، بیهقی، دیلمی، ابن عساکر، ابن اثیر، نووی، مزّی، علائی، ابن حجر عسقلانی و دیگران نقل کرده‌اند. این موضوع در جلد دهم و یازدهم موسوعه ما نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار بیان شده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۳۵

من شهر علم هستم و علی دروازه آن است. هر کس که می‌خواهد وارد این شهر شود باید از دروازه آن وارد شود.

در مرتبه چهارم به محبوب‌ترین فرد در نزد خود و پروردگارش اشاره می‌فرمود؛ همان خصوصیتی که بی‌تردید برتری وی را از همگان و در نتیجه امامت او را بر دیگران به اثبات می‌رساند.

زمانی که مرغ بریان شده‌ای به نزد آن حضرت آوردند تا ایشان تناول فرماید، آن عزیز فرمود:

اللهمّ إئتني بأحبّ خلقك إليك وإلى يأكل معي من هذا الطائر؛

پروردگارا! محبوب‌ترین فرد در نزد تو و من را به نزد من آور تا از این غذا میل کند.

ابوبکر پیش آمد؛ اما حضرت او را نپذیرفتند و دعای خویش را تکرار فرمودند.

عمر آمد و حضرت او را نیز نپذیرفتند.

سرانجام علی بن ابی‌طالب علیهما السلام به نزد ایشان آمد و حضرت نیز بی‌درنگ آن عزیز را دعوت نموده و به همراه وی غذا را

تناول فرمود. «۱»

(۱). این حدیث را ابوحنیفه، احمد بن حنبل، ابوحاتم رازی، ترمذی، بزار، نعمانی، ابویعلی، طبری، بغوی، طبرانی، دارقطنی، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، بیهقی، خطیب بغدادی، ابن عبدالبر، ابن عساکر، ابن اثیر، مزّی، ذهبی، ابن حجر عسقلانی، و دیگران نقل کرده‌اند. این حدیث نیز یکی از احادیث بحث شده از نظر سندی و دلالتی در جلد سیزدهم موسوعه ما نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۳۶

در بار پنجم و در هنگامه نبرد خیبر، پس از آن که آن دو نفر - ابوبکر و عمر - شکست خوردند و باز گشتند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

لأعطين الراية غداً رجلاً يفتح الله على يديه يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله؛

فردا پرچم سپاه مسلمانان را به مردی می‌دهم که خداوند پیروزی را به دست او قرار خواهد داد. او خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند.

شب را همگی به انتظار گذرانده و امید گرفتن پرچم را از دستان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دل می‌پروراندند؛ ولی صبح دمان حضرت فرمود:

این علی؟

علی کجاست؟

گفتند: چشم درد دارد.

با این حال حضرت او را طلبدند و از آب دهان مبارک خویش بر

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۳۷

چشم او نهادند و برایش دعا فرمودند و چنان شد که گویا هیچ دردی در میان نبوده است. سپس پرچم را به او دادند تا آن که

پیروزی و فتح به دست او جاری شد. «۱» در دفعه ششم که ابوبکر را برای ابلاغ سوره براءت به اهل مکه مأمور کرده بودند، از میانه راه وی را عزل نموده و حضرت علی علیه السلام را برای این امر مهم فرستاده و فرمودند:

لا ینبغی لأحد أن یبلغ هذا إلّا رجل من أهلی؛ «۲»

شایسته نیست کسی تبلیغ این امر را به دست گرفته و پیام الهی را به دیگران رساند، مگر آن کس که از اهل من باشد. این موارد یکی پس از دیگری ادامه یافت تا آن که روز غدیر

(۱). «حدیث رایت» را بخاری و مسلم در موارد متعددی در صحیح خود از جمله در بخش فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده‌اند و احمد بن حنبل در مسند: ۳۲۲/۵، و نسائی در الخصائص: ۶، ابن سعد در الطبقات الکبری: ۸۰/۲، ابن عبدالبرّ در الاستیعاب: ۴۵۰/۲، بیهقی در السنن الکبری: ۳۶۲/۶، متقی هندی در کنز العمال: ۲۸۴/۵، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد: ۵/۸، ابن ماجه، حاکم نیشابوری، هیشمی و دیگران نقل کرده‌اند. ما در این باره نوشتار جداگانه‌ای داریم که در سلسله نوشتارهای اعتقادی چاپ شده است.

(۲). این حدیث را ترمذی در سنن: ۱۸۳/۲، نسائی در الخصائص: ۲۰، حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین: ۵۱/۳، احمد بن حنبل در مسند: ۳/۱ و ۱۵۱، هیشمی در مجمع الزوائد: ۱۱۹/۹، متقی هندی در کنز العمال: ۲۴۶/۱، جلال الدین سیوطی در الدر المنثور: ۲۰۹/۳ و عده‌ای از حافظان اهل سنت نقل کرده‌اند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۳۸

فرا رسید. آن هنگام که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله واپسین روزهای عمر شریف خود را سپری می‌نمود، فرمان یافت آن چه را از ابتدای دعوتش بارها و بارها فرموده بود بار دیگر بر همگان اعلام نماید. بدین سان ماجرای غدیر و حدیث آن واقع شد؛ همان واقعه عظیمی که دانشمندان مسلمان بر ثبوتش اذعان، بر تواترش تصریح و پیرامونش کتاب‌ها نگاشته‌اند تا آن جا که از مسلمات تاریخ گشته است؛ به گونه‌ای که شک و تردید در وقوع آن را به مثابه شک و تردید در وجود نبی اکرم صلی الله علیه وآله و نبوت آن بزرگوار می‌توان شمرد.

### حدیث غدیر ... ص: ۳۸

پس از آن که آوای برپایی نماز جماعت به امامت خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله در صحرای جحفه طنین افکند و تمام آن جمع بسیار صف بستند، حضرت نماز ظهر را با آنان اقامه فرمود. سپس از جا برخاسته و در مقابل آنان ایستاد و فرمود:

أیها الناس! قد نبّأنی اللطیف الخبیر أنه لم یعمّر نبی إلّا نصف عمر المذی قبله، وإئنی أوشک أن أدعی فأجیب، وإئنی مسؤول وأنتم مسؤولون. فماذا أنتم قائلون؟

ای مردم! پروردگار لطیف و دانا مرا آگاه نموده که هر پیامبری نصف عمر پیش از خودش زندگی خواهد کرد. پس زمان دعوت من

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۳۹

نیز نزدیک گشته و من به زودی آن را خواهم پذیرفت. پس بدانید- درباره آن چه انجام داده‌ام- از من سؤال خواهند کرد و شما نیز بازخواست می‌شوید. آن هنگام شما چه خواهید گفت؟

قالوا: نشهد أنك قد بلغت ونصحت وجهدت. فجزاك الله خيراً؛

پاسخ دادند: همگی شهادت می‌دهیم که تو پیام الهی را بر ما رسانده و ما را نصیحت نمودی و در این راه تلاش بسیار کردی. خدا تو را جزای نیک دهد.

حضرت فرمود:

أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ جَنَّتَهُ حَقٌّ، وَنَارَهُ حَقٌّ، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ؟

آیا شهادت می‌دهید که هیچ معبودی جز خدا نیست و محمد بنده و پیامبر اوست و بهشت و دوزخ و مرگ حق است و شکی در قیامت نیست و خدا تمام مردگان را برخواهد انگیخت؟

پاسخ دادند: بر همه این‌ها شهادت می‌دهیم.

حضرت فرمود:

اللَّهُمَّ! اشْهَدْ؛

خدایا! تو بر سخن اینان گواه باش.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۴۰

سپس فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَا تَسْمَعُونَ؟

ای مردم! آیا سخنان مرا خوب می‌شنوید؟

پاسخ گفتند: آری.

فرمود:

فَأِنِّي فَرَطُ عَلَى الْحَوْضِ، وَأَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضِ، وَإِنَّ عَرْضَهُ مَا بَيْنَ صَنْعَاءَ وَبَصْرَى، فِيهِ أَقْدَاحُ عَدَدِ النُّجُومِ مِنْ فَضَّةٍ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلِفُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ؛

بدانید که من در کنار حوض خواهم بود که شما بر من وارد می‌شوید.

وسعت این حوض هم‌چون فاصله شهر صنعای یمن تا بصرای دمشق است و جام‌هایی از نقره به عدد ستارگان آسمان بر آن شناور است.

پس نیک بنگرید که پس از من چگونه از این دو شیء گران‌بها (که پس از خود بر جای می‌گذارم) پیروی می‌کنید؟

برخی پرسیدند: کدام دو شیء ای رسول خدا؟!

حضرت فرمود:

الثَّقَلِ الْأَكْبَرِ كِتَابَ اللَّهِ، طَرَفٌ بِيَدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَطَرَفٌ بِأَيْدِيكُمْ، فَتَمَسِّكُوا بِهِ لَا تَضَلُّوا، وَالْآخِرُ الْأَصْغَرُ عِطْرَتِي، وَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَيْرِ نَبَأَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ. فَسَأَلْتُ ذَلِكَ لِهَمَا رَبِّي، فَلَا تَقْدَمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا،

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۴۱

ولا تقصروا عنهما فتهلكوا؛

ثقل اکبر همان کتاب خدا که یک سوی آن در نزد پروردگار و سوی دیگرش در دست شماست؛ و ثقل کوچک تر که عترت من است. به این دو تمسک کنید تا گمراه نگردید. خداوند لطیف خبیر مرا آگاه نموده که این دو هرگز از هم جدا نمی‌گردند تا آن

که در کنار حوض بر من وارد آیند. من نیز همین را در مورد آن دو از پروردگارم مسئلت نمودم. پس، از آن دو پیشی نگیرید که هلاک می‌گردید و عقب نیز نمانید که نابود می‌شوید.

سپس آن حضرت دست علی علیه السلام را گرفته بلند نمود تا تمام آن جماعت ایشان را دیدند و ادامه داد و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟

ای مردم! چه کسی بر مؤمنان از خودشان صاحب اختیارتر است؟

پاسخ دادند: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند.

حضرت فرمود:

إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ، وَأَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ. فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتُ مَوْلَاهُ؛

خدای متعال مولای من و من مولای مؤمنان هستم و از خودشان بر ایشان شایسته‌ترم. پس هر که را من مولای او هستم، علی مولای اوست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۴۲

و این جمله را سه بار تکرار فرمود و ادامه داد:

اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ الْوَالِهِ، وَعَادٍ مِنَ عَادَاهُ، وَأَحَبَّ مِنْ أَحَبِّهِ، وَأَبْغَضَ مِنْ أَبْغَضِهِ، وَأَنْصَرَ مِنَ أَنْصَرِهِ، وَأَخَذَلَ مِنَ أَخَذَلِهِ، وَأَدْرَ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ.

أَلَا فليبلغ الشاهد الغائب؛ «۱»

پروردگارا! بر هر کس ولایتش را پذیرفت ولی باش و با آن کس که با او عداوت نمود دشمن باش و هر که او را دوست داشت دوست بدار و بر هر که به او بغض نمود خشم گیر.

یاورش را یار باش و هر کس که او را رها نمود رهایش کن.

و حق را هر گونه که او بود به دورش قرار ده.

آگاه باشید که شاهدان این سخن را باید به غائبان برسانند.

(۱). از جمله راویان «حدیث غدیر» عبارتند از: محمّد بن إسحاق، عبدالرزاق، شافعی، احمد بن حنبل، بخاری در تاریخ خود، ترمذی، ابن ماجه، بزار، نسائی، ابویعلی، طبری، بغوی، ابن حبان، طبرانی، دارقطنی، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، بیهقی، ابن عبدالبر، خطیب بغدادی، زمخشری، ابن عساکر، ابن اثیر، ضیاء مقدسی، محبّ طبری، مزّی، ذهبی، ابن کثیر، ابن حجر عسقلانی، جلال الدین سیوطی و عالمانی دیگر. ما درباره این حدیث از نظر سند و دلالت در جلد‌های ۶-۹ در موسوعه نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار بحث نموده‌ایم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۴۳

### ویژگی‌ها و امتیازات غدیر ... ص: ۴۳

در غدیر آن چه را که رسول خدا صلی الله علیه وآله از ابتدای بعثتش به صورت پراکنده درباره حضرت علی علیه السلام فرموده بود جمع کرده و یک جا بیان نمود.

افزون بر آن، غدیر ویژگی‌هایی را در خود جای داد که پیش از آن در تبلیغ‌های دیگر پیامبر نبود. و بدین سان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار گردید که اهتمام و عنایتی خاص را در تمام جوانب می‌طلبید.

- از جمله این ویژگی‌ها صراحت کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و روشنی مقصود ایشان بود، تا آن جا که حضرت به کلام تنها اکتفا نفرموده و عملاً نیز مقصود خود را معرفی نمودند.

- ایشان در همان حال که سخن خود را می‌فرمودند، دست علی علیه السلام را که در جانب راستش ایستاده بود گرفته و بالا بردند و با این عمل نیز شخص مورد نظر خود را به همگان نشان دادند.

- از دیگر خصوصیات این تبلیغ نزدیک بودن زمان آن به وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اطلاع خود حضرت از این امر بود. آن بزرگوار در ضمن خطبه‌اش فرمود:

یوشک آن ادعی فاجیب؛ ...

من به زودی به سوی پروردگرم دعوت می‌شوم که آن را خواهم پذیرفت ...

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۴۴

پوشیده نیست که این گونه سخن در چنین موقعیتی، تأثیر عمیقی بر حاضران گذاشته و حجت را بر همگان تمام و هر عذر و بهانه‌ای را از آنان می‌ستاند.

- هم‌چنین از دیگر امتیازات ماجرای غدیر، وقوع آن در میان جمعیت بی‌نظیری از مسلمانان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله از مدتی قبل این حج را آخرین حجشان اعلام فرموده بودند؛ در نتیجه گروه‌های بسیاری از مسلمانان به مدینه آمده تا برای آخرین بار همراه پیامبرشان به حج مشرف شوند و عده زیادی نیز در هنگام مناسک به ایشان پیوستند تا از فیض همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله بهره‌برند و در نهایت جمعیتی را رقم زدند که جز خدای متعال شمارشان را نمی‌دانست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به همراه این خیل عظیم مناسک حج را به پایان رسانده و راه بازگشت پیش گرفتند و چون به منطقه غدیر خم که محل جدایی راه‌های اهل مدینه از مصریان و عراقیان بود رسیدند، توقف نموده و به انتظار نشستند تا آنان که عقب مانده بودند برسند.

هم‌چنین امر فرمودند تا آنان که جلو رفته‌اند نیز بازگردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از اقامه نماز برخاستند و خطبه مفصلی خواندند و بدین سان سخن خود را به گوش تمامی آنان رساندند.

- از دیگر ویژگی‌های تبلیغ غدیر، نزول کلام خداوند متعال است

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۴۵

که پیش از خطبه آن حضرت این آیه نازل شد: «۱» «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»؛ «۲»

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از خطرات مردم حفظ می‌کند.

بعد از خطبه آن بزرگوار این آیه نازل شد: «۳» «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ «۴»

امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را آیین شما پذیرفتم.

(۱). نزول این آیه را در غدیر: طبری، ابن ابی حاتم، ابن مردویه، ثعلبی، ابونعیم اصفهانی، واحدی، ابوسعید سجستانی، حسکانی، ابن عساکر، فخر رازی، نیشابوری، عینی، جلال الدین سیوطی، و دیگران نقل کرده‌اند؛ ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار. (۲). سوره مائده: آیه ۶۷.

(۳). نزول این آیه را در غدیر: طبری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، خطیب بغدادی، ابن مغازلی، خوارزمی، حموی، ابن عساکر، ابن کثیر، جلال الدین سیوطی، و دیگران نقل کرده‌اند؛ ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار.

(۴). سوره مائده: آیه ۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۴۶

- هم چنین از دیگر نکات ممتاز این تبلیغ تبریک و تهنیت گفتن آن جماعت بر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

البته از نخستین کسانی که برای این امر، قدم پیش گذاشتند ابوبکر و عمر بودند ...! در حالی که می گفتند:

بِخِ بَخٍ لَكَ يَا أَبِی طَالِبٍ، أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ مَوْلَایَ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ؛ «۱»

خوشا به حال تو ای پسر ابوطالب که مولای ما و مولای هر مرد و زن مؤمن شدی.

- و نیز از نکات خاص این تبلیغ پیامبر صلی الله علیه وآله شعری بود که حسان بن ثابت با اجازه خواستن از آن حضرت سرود. وی

پس از اتمام سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله گفت: ای رسول خدا! به من اجازه فرماید از سخنان شما درباره علی علیه السلام

چند بیتی بسرایم.

حضرت فرمودند:

قُلْ عَلِیٌّ بَرَكَةٌ لِلَّهِ؛

به لطف و برکت خدا، بگو.

(۱). این روایت را ابوبکر بن ابی شیبیه، احمد، ابوسعید خدری، ثعلبی، ابوسعید سمعانی، خطیب تبریزی، ابن کثیر، مقریزی، محب

طبری نقل کرده‌اند؛ ر. ک: نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار: ۷/ ۱۳۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۴۷

حسان برخاست و چنین سرود:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيَّهُمْ بِخَمٍّ فَاسْمِعْ بِالرَّسُولِ مَنَادِيَا

وَقَدْ جَاءَ جَبْرِيلُ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ بِأَنَّكَ مَعْصُومٌ فَلَا تَكُ وَاثِيَا

وَبَلِّغْهُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ رَبَّهُمْ إِلَيْكَ وَلَا تَخْشِ هُنَاكَ الْأَعَادِيَا

فَقَامَ بِهِ إِذْ ذَاكَ رَافِعٌ كَفَّهُ بِكَفِّ عَلِيٍّ مَعْلَنُ الصَّوْتِ عَالِيَا

فَقَالَ: فَمَنْ مَوْلَاكُمْ وَوَلِيِّكُمْ فَقَالُوا وَلَمْ يَبْدُوا هُنَاكَ تَعَامِيَا

إِلَهَكَ مَوْلَانَا وَأَنْتَ وَلِيِّنَا وَلَنْ تَجِدُنَا فِينَا لَكَ الْيَوْمَ عَاصِيَا

فَقَالَ لَهُ: قُمْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامًا وَهَادِيَا

فَمَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ فَكُونُوا لَهُ أَنْصَارَ صَدَقَ مَوْلِيَا

هُنَاكَ دَعَا اللَّهُمَّ وَالِ وَلِيِّهِ وَكُنْ لِلَّذِي عَادَى عَلِيًّا مَعَادِيَا

فِيَارَبِّ انصُرْ نَاصِرِيهِ لِنُصْرِهِمْ إِمَامَ هُدَى كَالْبَدْرِ يَجْلُو الدِّيَاجِيَا؛ «۱»

پیامبرشان در روز غدیر در کنار غدیر خم به آنان خطاب نمود. پس تو نیز بر سخن پیامبر گوش فرا ده.

جبرئیل نیز از جانب پروردگارش به نزد او آمده و پیغام آورده بود که

(۱). این اشعار را حافظان اهل سنت از جمله: ابوسعید خدری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، ابوسعید سجستانی، موفق بن احمد

مکی خوارزمی، ابوالفتح نطنزی، سبط ابن جوزی، حافظ گنجی، صدر حموی، جمال زرنندی، جلال الدین سیوطی و دیگران نقل

کرده‌اند. برای آگاهی بیشتر در این زمینه: ر. ک نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار: ۸ و جلد دوم الغدیر.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۴۸

تو از گزند دیگران در امان هستی.

پس آن چه را خدا؛ پروردگار آن‌ها بر تو نازل نموده به اینان ابلاغ کن و از دشمنی‌ها نهراس.

پس او نیز برخاست و در حالی که دست علی را بالا برده بود با صدایی رسا اعلام کرد و گفت:

مولا و ولیّ شما کیست؟ آنان در حالی که هیچ کدامشان نمی‌توانستند به کوری تظاهر کنند، گفتند:

خدای تو مولای ما و تو نیز ولیّ ما هستی و امروز هیچ کدام از ما را از این امر روی گردان نمی‌یابی.

و پیامبرشان فرمود: ای علی! برخیز که من خشنودم که تو امام و هدایت‌گر پس از من هستی.

پس هر که من مولای او هستم این علی مولای اوست. ای مردم مولی و یاران راستین او باشید.

سپس پیامبرشان دست به دعا برداشت و گفت: خدایا! بر هر کس ولایتش را پذیرفت تو ولی باش و با آن که به او دشمنی نمود

دشمن باش.

پروردگارا! یاورش را بر یارش یار باش. یار همان امام هدایت‌گری که به سان ماه شب چهارده تاریکی‌ها را می‌زداید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۴۹

پر واضح است که سراینده این شعر از نامداران اصحاب پیامبر بوده و این ابیات را در حضور آنان و با اجازه آن حضرت سروده

است و در پایان نیز پیامبر آن را تأیید نموده و نیکو شمردند.

### عنایت و اهتمام به حدیث غدیر ... ص: ۴۹

به سبب نکاتی که یادآور شدیم، غدیر و حدیث آن از اهمیت و برتری خاصی نسبت به دیگر روزها و احادیثی که پیامبر خدا صلی

الله علیه و آله در آن‌ها این خبر عظیم را بیان کرده‌اند برخوردار گردید. از این رو اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان در راه اثبات و

نشر آن در میان امت پیامبر از هر فرصتی بهره‌جسته و برای باقی‌نگه داشتن آن در اذهان و بر سر زبان‌ها در طول تاریخ و نیز برای

حفاظت و صیانت از شأن نبی اکرم و دور نمودن هر نصبتی به آن بزرگوار همتی والا بکار بسته‌اند.

البته آن چه موجب گشت تا بعد از وفات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اختلاف و نزاع برخیزد نیز همین امر بود؛ یعنی اعلام حق

اهل بیت در امامت بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به فرمان خدای متعال و آن که هیچ سخنی از جانب خداوند و پیامبرش بر

خلافت آنان که بر مسندش تکیه زدند یافت نمی‌شد.

به همین سبب نیز امیر مؤمنان علی علیه السلام بارها و بارها اصحاب پیامبر را در مناسبت‌های مختلف بر این حدیث سوگند می‌دادند

که

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۵۰

تاریخ نیز برخی از آن‌ها را برای ما نقل نموده است:

۱. در روز شورا از آن جماعت خواست تا بر سخنانش شهادت دهند و همگی آنان بدان اقرار نمودند؛ «۱» ۲. در جنگ جمل؛ «۲»

۳. در جنگ صفین؛ «۳» ۴. در کوفه. حاضران را بر این موضوع سوگند داد که عده‌ای اقرار کرده و برخی هم اظهار فراموشی

نمودند که به آن اشاره‌ای خواهیم داشت؛ «۴» ۵. هم‌چنین حضرت صدیقه کبری علیها السلام در سخنان خود به غدیر احتجاج نمود؛

«۵» ۶. دیگر امامان اهل بیت علیهم السلام و بزرگان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در سخنان خود به غدیر احتجاج کردند.

«۶» هم‌چنین جمعی از انصار که در میان آن‌ها ابویوب انصاری،

(۱). الغدیر: ۱ / ۱۵۹.

(۲). همان: ۱ / ۱۸۶.

(۳). همان: ۱ / ۱۹۵.

(۴). ر. ك نفحات الازهار: ۹ / ۹ - ۲۷.

(۵). اسنی المطالب: ۴۹.

(۶). الغدیر: ۱ / ۱۹۷ - ۲۰۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۵۱

خزیمه بن ثابت، عمار بن یاسر و پسر تیهان بودند، آن هنگام که در کوفه به نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و گفتند: سلام بر تو ای مولای ما.

حضرت فرمود: چگونه من مولای شما هستم در حالی که شما از عرب‌های آزاد هستید و بنده کسی نیستید؟

آنان پاسخ دادند: ما خودمان در روز غدیر از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله شنیدیم که فرمود:

من كنت مولا فاعلی مولا؛ «۱»

هر که من مولای او هستم علی مولای اوست.

فرا تر این که برخی از صحابه نیز در مقابل مخالفان خود به این حدیث احتجاج نموده‌اند. هنگامی که معاویه از سعد بن ابی وقاص خواست تا امیرالمؤمنین علیه السلام را سب نموده و دشنام دهد، سعد در پاسخ او به همین حدیث شریف احتجاج کرد. «۲»

(۱). این روایت را احمد بن حنبل، طبرانی، ابن مردویه، ابن اثیر، ابن کثیر، محب طبری، هیشمی، قاری و دیگران نقل کرده‌اند؛ ر. ك: نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الأنوار: ۹ / ۱۳۹.

(۲). این روایت را بخاری، مسلم، احمد بن حنبل، ترمذی، ابن ماجه و دیگران نقل کرده‌اند. البته آنان برای کاستن از شناخت آن سخنان و پوشاندن ننگ‌های پیشوایشان معاویه با واژگان گوناگون در آن دخل و تصرف کرده‌اند؛ چرا که در حدیث آمده است: «روزی معاویه بن ابوسفیان به سعد گفت: چرا به ابوتراب (علی علیه السلام) دشنام نمی‌دهی؟

سعد گفت: وقتی سه فضیلت از او را که پیامبر درباره او گفته به یاد می‌آورم نمی‌توانم به او دشنام دهم...»

ولی این جریان در برخی از کتاب‌ها چنین آمده است: معاویه در یکی از سفرهای خود به حج، نزد سعد رفت و سخن از علی علیه السلام به میان آمد. معاویه از آن حضرت بدگویی کرد. سعد از این امر خشمگین شد؛ آن گاه ویژگی‌های چندی از علی علیه السلام را یادآور شد که حدیث غدیر از آن جمله بود.

در البدایة والنهایه ابن کثیر جمله «معاویه از آن حضرت بدگویی کرد و سعد خشمگین شد» حذف شده است.

احمد بن حنبل نیز این جریان را چنین نقل کرده است: در نزد شخصی سخن از علی علیه السلام به میان آمد، سعد بن ابی وقاص نیز که در آن جا حضور داشت گفت: آیا درباره علی بدگویی می‌کنید؟ ...

و در کتاب الخصائص از سعد چنین نقل شده که گوید: روزی در جایی نشسته بودم که از علی بن ابی طالب بدگویی کردند.

من گفتم: به راستی که از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله شنیده‌ام...

و برخی از نگارندگان حدیث، اصل داستان را حذف کرده و می‌نویسند:

سعد بن ابی وقاص گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله درباره علی سه ویژگی بیان فرمود...:

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ك: نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الأنوار: ۶ / ۳۴.



سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۵۲  
 عمرو بن عاص نیز در یکی از نامه‌هایش برای معاویه با همین حدیث به او پاسخ گفته است. «۱»

(۱). المناقب خوارزمی: ۱۳۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۵۳

### شواهد حدیث غدیر ... ص: ۵۳

موارد بسیاری بر اثبات حدیث غدیر و دلالت آن بر امامت حضرت امیر علیه السلام گواه است که برخی از آن‌ها را به اختصار یاد آور می‌شویم:

۱. شخصی که مرتد شده بود به نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد! از طرف خدا به ما دستور دادی که گواهی بدهیم خدایی جز او نیست و تو هم پیامبر او هستی و گفתי نماز و روزه و حج به جای آوریم و زکات بپردازیم ما هم همه را قبول کردیم. اما تو به این‌ها راضی نشدی تا این که دست پسرعمویت را گرفتی و بالا بردی و او را بر ما برتر قرار دادی و گفتی: «هر که من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست». آیا این مطلب از جانب خود توست یا از طرف خدا؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ! إِنَّ هَذَا مِنْ اللَّهِ؛

سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، این مطلب از طرف خداوند است.

آن مرد نیز به پیامبر پشت کرده و همان طور که به سوی مرکب خود می‌رفت گفت: خدایا! اگر آن چه محمد می‌گوید راست است، سنگی از آسمان بر ما فرود آور و یا به عذابی سخت ما را مبتلا کن.

و پیش از آن که به مرکب خود برسد خداوند متعال سنگی بر او

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۵۴

نازل فرمود که بر سرش فرود آمده و از نشیمنگاهش خارج شد و در همان لحظه هلاک گشت.

سپس خداوند متعال این آیه‌های شریفه را بر پیامبرش وحی فرمود که این‌ها آخرین آیه‌های نازل شده در مورد غدیر بودند:

«سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ \* لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ \* مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ»؛ «۱»

تقاضا کننده‌ای درخواست واقع شدن عذابی کرد که برای کافران فرود آید که هیچ کننده‌ای بر آن نیست. از سوی خداوندی که صاحب معارج است. «۲»

۲. هم‌چنین از جمله شواهد بر معنای حدیث غدیر، حدیثی است که با این عبارت نقل شده:

من كنت أولى به من نفسه فعلی ولیه؛

هر کس که من بر او از خودش اولویت دارم علی نیز بر او اولویت دارد.

(۱). سوره معارج: آیه ۱-۳.

(۲). نزول این آیه در این واقعه را ابو عبید هروی، ابوبکر نقاش، ثعلبی، قرطبی، سبط بن جوزی، حموینی، زرنندی، سمهودی، ابوسعود، شربینی، حلبی، مناوی و دیگران نقل کرده‌اند. ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الأنوار: ۸ / ۳۴۰-۴۰۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۵۵

۳. هم‌چنین روایت دیگری که اهل سنت نقل کرده‌اند تأیید دیگری بر این معناست:

برخی به عمر بن خطاب گفتند: تو با علی به گونه‌ای هستی که با هیچ یک از صحابه پیامبر نیستی؟!

او پاسخ داد: زیرا او مولای من است. «۱» ۴. از دیگر شواهد بر معنای حدیث غدیر، کلام دانشمند بزرگ اهل سنت ابن حجر مکی است که در مقام جواب به این حدیث شریف می‌گوید:

«پذیرفتیم که او (امیرالمؤمنین علیه السلام) اولی و پیش‌تر است؛ اما نمی‌پذیریم که در امامت اولویت داشته باشد؛ بلکه وی فقط در اطاعت و تقرب، اولویت دارد؛ مثل این آیه قرآن که می‌فرماید:

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ»؛ «۲»

به راستی سزاوارترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کردند.

بر این ادعا نه تنها پاسخ محکمی در رد آن وجود ندارد؛ بلکه پاسخ ظاهری نیز بر رد آن یافت نمی‌شود؛ فراتر این که همین معنا واقع

(۱). ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصه عقبات الانوار: ۹/ ۱۴۱-۱۴۴.

(۲). سوره آل عمران: آیه ۶۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۵۶

شده؛ زیرا ابوبکر و عمر نیز همین معنا را فهمیده‌اند. به همین سبب وقتی آن سخن پیامبر را شنیدند به او (امیرالمؤمنین علیه السلام) گفتند: ای پسر ابوطالب! مولای هر مرد و زن مؤمن شدی.

و این روایت را دانشمند اهل سنت، دارقطنی نقل کرده و هم‌چنین روایت کرده که به عمر گفته شد: تو با علی به گونه‌ای هستی که با هیچ یک از صحابه پیامبر نیستی؟ و او پاسخ داد: زیرا او مولای من است. «۱» در پاسخ ابن حجر می‌گوییم که اگر بپذیریم مقصود پیامبر از اولی بودن، اولی و شایستگی در پیروی است؛ با این وجود آیا کسی جز امام، اولویت و شایستگی در پیروی و اطاعت دارد؟

### موضع گیری‌های ضد و نقیض ... ص: ۵۶

موضع صحابه و تابعین آن‌ها در جریان غدیر و پس از آن و به هنگام روبه‌رو شدن با حدیث غدیر تناقضی آشکار دارد؛ به گونه‌ای که در ابتدا ابوبکر و عمر تبریک گفتند و حسان شعر سرود. پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه وآله گروهی بر آن شهادت دادند و جمع دیگری بر آن احتجاج کردند.

(۱). الصواعق المحرقة: ۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۵۷

در مقابل نیز فهری به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شک و تردید وارد نمود.

ابوظیفیل چنان وانمود کرد که گویا ماجرای در کار نبوده و هیچ نمی‌داند، آن جا که می‌گوید: از نزد او (امیرالمؤمنین علیه السلام) در حالی که سخنانش برایم ناخوشایند بود، خارج شدم. با زید بن ارقم برخورد کردم و به او گفتم: از علی شنیدم که چنین و چنان ادعا می‌کند!

زید گفت: مگر تو نمی‌دانی؟ من خودم از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که در مورد او چنین می‌فرمود. «۱» گروهی نیز همه

را کتمان کردند و امام علیه السلام آنان را نفرین کرد که از جمله آنها عبدالرحمان بن مدلیج، جریر بن عبداللّه بجلی، یزید بن ودیع، زید بن ارقم، انس بن مالک و براء بن عازب هستند.

احمد بن حنبل از عبدالرحمان بن ابی لیلی نقل می کند که او در محل رحبه حضور داشت. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

انشد الله رجلاً سمع رسول الله صلى الله عليه وآله وشهد يوم غدیر خم إلقاء؛

هر کس را که در روز غدیر شاهد سخن پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بوده سوگند می دهم که برخیزد.

دوازده نفر برخاستند و گفتند: هنگامی که پیامبر دست او

(۱). مسند احمد: ۴ / ۳۷۰، الخصائص: ۱۰۰، البداية والنهاية: ۷ / ۳۴۶، الرياض النضرة: ۲ / ۲۲۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۵۸

(امیرالمؤمنین علیه السلام) را گرفته بود ما وی را دیدیم و شنیدیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه، وانصر من نصره واخذل من خذله؛

خدایا! بر هر که او را ولی خود می داند، ولی باش و هر کس را که با او دشمنی می کند دشمن بدار و یاورش را یار باش و آن کس

که او را خوار کند ذلیل نما.

اما سه نفر از جا برخاستند. پس حضرت (امیرالمؤمنین علیه السلام) آنها را نفرین کرد و هر سه به آن نفرین مبتلا شدند. «۱» و در

روایتی که ابن اثیر نقل نموده این گونه آمده است: عده ای این مطلب را کتمان کردند. پس هیچ یک از دنیا نرفتند مگر آن که کور

شده یا به بلایی سخت مبتلا گشتند. «۲» و در روایت متقی هندی نیز چنین آمده است: گروهی این مطلب را کتمان کردند و همگی

پیش از مردن کور شده و پسی گرفتند. «۳» راوی دیگری می گوید: نزد زید بن ارقم رفتم و به او گفتم:

خویشاوندی دارم که از تو حدیثی درباره علی علیه السلام در روز غدیر

(۱). مسند احمد: ۱ / ۱۱۹.

(۲). اسد الغابه: ۴ / ۳۲۱.

(۳). کنز العمال: ۱۵ / ۱۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۵۹

برای من نقل کرده است. دوست دارم این حدیث را از خود تو بشنوم.

یزید گفت: شما اهل عراق هستید و مسائلی بین شما هست (که من نمی توانم مطلبی بگویم).

به او گفتم: از جانب من نگران نباش (و بگو).

او بعد از آن که مطمئن شد، گفت: آری، درست است. ما در منطقه جحفه بودیم که «... ۱» دیگری نقل می کند که به سعد بن

ابی وقاص گفتم: می خواهم مطلبی پرسم، اما از تو بیم دارم.

سعد گفت: من که عموی تو هستم! پس هر چه می خواهی پرس.

راوی گوید: به او گفتم: تو موقعیت رسول خدا صلی الله علیه وآله را در روز غدیر و در میان خودتان گفتی که «... ۲» شخص

دیگری گوید که به زهری گفتم: از این ماجرا- غدیر- در شام سخن مگو که دو گوش تو، از دشنام به علی پر خواهد شد.

او در پاسخ گفت: سوگند به خدا! من فضایل و مناقب از علی می دانم که اگر باز گو می کردم مرا می کشتند. «۳»

(۱). مسند احمد: ۴ / ۳۶۸.

(۲). کفایه الطالب: ۶۲.

(۳). أسد الغابه: ۸ / ۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۶۰.

**غدیر و علما و دانشمندان ... ص: ۶۰**

بیشتر محدثان و متکلمان ماجرای غدیر و حدیث آن را آن چنان که بوده نقل نموده‌اند «۱» که به برخی از مآخذ و مدارک آنها اشاره نمودیم.

البته بعضی از آنان نیز به پیروی از پیشینیان خود (صحابه) آن را کتمان نموده‌اند.

بعضی دیگر بخش نخستین آن را نقل نکرده‌اند، آن جا که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

ألست أولى بالمؤمنین من أنفسهم؟

آیا من بر مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر نیستم؟

و برخی نیز بخش پایانی آن و دعای حضرت را نقل نکرده‌اند که فرمود:

(۱). یعنی ابتدا و انتهای حدیث را آن سان که پیش تر آوردیم، نقل نموده‌اند؛ ولی برخی از آن‌ها جریان را به طور کامل روایت

نکرده‌اند و گفته‌اند: پیامبر صلی الله علیه وآله خطبه خواند (مسند احمد: ۴ / ۳۷۲)؛ برخی گفته‌اند: «آن چه خدا می‌خواست گفت»

(المستدرک: ۳ / ۱۰۹) برخی دیگر گفته‌اند: در آن روز آن چه تا روز رستاخیز نیاز بود بیان کردند (مجمع الزوائد: ۹ / ۱۰۵) با این

بیانات راویان، پس سخنان پیامبر صلی الله علیه وآله که در روز غدیر بیان فرمود چه شد؟ و چرا آن خطبه تاریخی را نقل نکرده‌اند؟

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۶۱

اللهم وال من والاه وعاد من عاداه؛

پروردگارا! بر آن کس که ولایتش را پذیرفت ولی باش و آن کس را که با او دشمنی کند دشمن باش.

اگر چه هیچ کدام از این موضع گیری‌ها سودی نبخشید؛ چرا که:

اعتراض - آن چنان که فهری مرتکب شد - کفری بود که عذاب الهی را به دنبال خود نازل کرد.

کتمان حقیقت - چنان که برخی دیگر انجام دادند - عصیان بزرگی بود که نفرین و ذلت را در پی داشت.

و تحریف روایت، خیانتی بود که گذشت روزگار آن را برملا می نمود.

با این حال تمامی این‌ها باید باشد، اما این بار با وجهه‌ای عالمانه و رنگ و لعابی علمی! یعنی خدشه در دلالت و معنای حدیث.

این موضع گیری و اقدام نیز - با آن که از جانب کسانی است که به احادیث و سخنان نقل شده در مورد غدیر توجهی ندارند - این

نکته را آشکار می کند که بی تردید حدیث غدیر امر عظیمی را بیان نموده که این چنین مورد اختلاف و نزاع قرار گرفته است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۶۲

**معنای حدیث غدیر ... ص: ۶۲**

بی گمان هر انسان منصفی در قضیه غدیر و حدیث آن اندکی تأمل کند، یقین می کند که واژه «مولی» در این حدیث شریف بر

امامت حضرت علی علیه السلام و جانشینی آن بزرگوار تصریح دارد؛ زیرا پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله پیش از این عبارت

فرموده‌اند:

أَلَسْتُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ «۱»

آیا من بر مؤمنان از خودشان اولی و صاحب اختیارتر نیستم؟

حضرت با این سخن خویش به این آیه شریفه «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» «۲»

اشاره فرموده و بر لزوم پیروی آنان و نافذ بودن فرمانش، از آنان اقرار گرفت؛ آن سان که آیه شریفه نیز بر این امر دلالت دارد. «۳»

پس از این مقدمات بود که فرمود: من کنت مولاة فعلی مولاة؛ «۴»

و این

(۱). این جمله در ابتدای حدیث، در روایت احمد بن حنبل، ابن ماجه، بزار، نسائی، ابویعلی، طبری، ابن حبان، طبرانی، دارقطنی و دیگر محدثان بزرگ اهل سنت آمده است.

(۲). سوره احزاب: آیه ۶.

(۳). سوره حشر: آیه ۷.

(۴). این فراز را با «فاء» تفریع احمد بن حنبل، نسائی، طبری، طبرانی، ضیاء مقدسی، محاملی، ابویعلی، ابن کثیر، سمهودی، متقی هندی و دیگران نقل کرده‌اند.

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۶۳

همان معنایی بود که تمام حاضران در آن مجلس و در رأس آن‌ها امیر مؤمنان علی علیه السلام، حسان شاعر، آن دو نفر و دیگر صحابه از سخن آن بزرگوار برداشت کردند.

هم چنین همان معنایی بود که فهری آن را انکار نمود، و بر ابوظفیل سنگین آمد و فلان و فلان! هم آن را کتمان کردند.

البته همان معنایی است که برخی دانشمندان با انصاف مانند تقی الدین مقریزی بدان اعتراف نموده و در کتاب خود چنین آورده است:

ابن زولاق چنین گفته است: در روز هجدهم ذی حجه - روز غدیر - گروهی از مردم مصر، مغرب و اطراف آن برای خواندن دعا جمع می شدند؛ زیرا آن روز را به مناسبت وصیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب در جانشینی پس از خود، عید می دانستند. «۱» شواهد بسیار دیگری نیز بر این معنا گواه است که - به برخی از آن‌ها اشاره نمودیم - نهایت و چکیده همه آن‌ها این سخن است:

واژه «مولی» در حدیث شریف نبوی؛ یعنی کسی که حق اولویت در اطاعت و صاحب اختیاری و حکم کردن از آن اوست و این یعنی ولایت کبری و امامت عظمی.

(۱). المواعظ والاعتبار: ۲ / ۲۲۰.

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۶۴

### تشکیک‌ها و ایرادها ... ص: ۶۴

از جمله اشکالات سستی که بر این معنا وارد شده آن است که بعضی گفته‌اند:

«ولایت در این حدیث به معنای یاری رساندن و محبت است» و استدلال ادبی نموده‌اند که وزن «مفعل» - که «مولی» بر این وزن

است- به معنای «افعل» نمی آید. پس ناگزیر معنای اولی برای «مولی» درست نیست.

اینان یا نادانند و یا به نادانی تظاهر می کنند؛ زیرا مفسران، محدثان و اهل لغت بزرگ اهل سنت تصریح کرده اند که واژه «مولی» به معنای «اولی» آمده و آیه شریفه «فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (۱) و برخی آیات دیگر را به همین معنا تفسیر نموده اند.

از جمله کسانی که با صراحت به این معنا اشاره نموده اند می توان به فراء، ابوزید، ابو عبیده، اخفش، ابوالعباس ثعلب، میرد، زجاج، ابن انباری، رمانی، جوهری، ثعلبی، واحدی، زمخشری، نیشابوری، بیضاوی، نسفی، ابوسعود، شهاب خفاجی و ... اشاره نمود. (۲)

(۱)

. سوره حدید: آیه ۱۵.

(۲). ر. ک: نفحات الازهار: ۸ / ۱۵-۸۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۶۵

اینان چون دریافته اند که این ادعا اعتباری ندارد، به ناچار لب به اعتراف گشوده و سخن به حقیقت گفته اند. گرچه برخی از ایشان نپذیرفته اند که مراد از این برتری، اولویت در تصرف و صاحب اختیاری است؛ بلکه آن را اولویت در محبت و دوستی و بعضی نیز اولویت در پیروی و تبعیت دانسته اند.

البته این سخن نیز مانند ادعای نخست فارغ از دلیل بوده و بی بنیاد است و شاهدی بر آن یافت نمی شود.

اگر هم بپذیریم که این اولویت در پیروی و محبت بی قید و شرط است، باز هم این اولویت به امام اختصاص خواهد داشت. اما برخی از مطرح کنندگان معنای سوم- یعنی اولویت در پیروی برای کلمه «مولی» - چون سستی سخن خود را دریافتند، ناگزیر به حق اعتراف کرده و گفته اند که «درست است که مقصود حدیث شریف اولویت در امر امامت می باشد؛ ولی این اولویت فقط در دوران امامت خود امیرالمؤمنین بوده است؛ یعنی پس از اتمام دوره سه خلیفه نخست، نه بدون فاصله و بعد از پیامبر». این ادعا نیز به چند علت غیر قابل قبول است:

۱. در برخی روایات غدیر عبارت «بعد از من» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است. چنان که تاریخ نگار بزرگ اهل سنت ابن کثیر در کتاب

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۶۶

البدایة والنهایه از عبدالرزاق همین گونه نقل کرده و در شعر معروف حسان نیز این چنین نقل شده است.

۲. شرط لازم برای آن که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را به بعد از دوره عثمان اختصاص دهیم آن است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عبارت صریح و آشکاری بر خلافت آن سه نفر نخست داشته باشیم و بتوانیم آن را با حدیث غدیر جمع کنیم که البته اهل سنت خود بر نبود چنین عبارت صریح و آشکاری اقرار دارند.

۳. عبارت «هر کس» - که در حدیث شریف غدیر آمده- از عبارت های عام است که همه مخاطبان و از جمله آن سه نفر را نیز شامل می شود. بنابراین خلافت آن سه نفر پیش از حضرت امیر علیه السلام بی معناست.

۴. پذیرفتن این تأویل برای معنای «مولی» رد آشکار سخن ابوبکر و عمر است؛ زیرا آن دو نخستین کسانی بودند که به نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و با این عبارت به او تبریک گفتند: «خوشا به حال تو که مولای ما و مولای هر مرد و زن مؤمن شدی».

۵. علاوه بر این، محدثان اهل سنت نقل کرده اند که ابن مسعود گوید: در شبی که گروهی از جنیان به محضر پیامبر آمده بودند،

من نیز در نزد ایشان بودم. پس از رفتن آنان حضرت آهی کشید. به ایشان سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۶۷  
عرض کردم: چه شده ای رسول خدا؟  
فرمود:

نعیت إلیّ نفسی یابن مسعود!

خبر نزدیکی مرگم به من رسیده ای پسر مسعود!

عرض کردم: پس کسی را به جانشینی خود برگزینید.

حضرت پرسید: چه کسی را؟

گفتم: ابوبکر را. حضرت سکوت کرد.

مدتی گذشت و حضرت دوباره آهی کشید.

عرض کردم: پدر و مادرم قربانت شوند! ای رسول خدا! چه شده؟

ایشان دوباره فرمودند:

نعیت إلیّ نفسی یابن مسعود!

خبر نزدیکی مرگم به من رسیده ای پسر مسعود!

عرض کردم: کسی را به جانشینی انتخاب کنید!

حضرت دوباره پرسید: چه کسی را؟

این بار گفتم: عمر را.

این بار نیز حضرت سکوت کرد و سخنی نگفت.

زمانی دیگر گذشت دوباره ایشان آهی کشید و من پرسیدم: چه

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۶۸

شده ای رسول خدا؟ حضرت همان پاسخ را فرمودند.

من بار دیگر گفتم: کسی را برای جانشینی خود برگزینید و ایشان نیز همان سؤال را تکرار فرمودند. من این بار در پاسخ نام علی را بردم.

حضرت فرمود:

أما والذي نفسي بيده، لئن أطاعوه ليدخلون الجنة أكتعين؛ (۱)

سوگند به آن که جانم به دست اوست، اگر مردم از او اطاعت کنند همگی وارد بهشت می شوند.

حال به رغم آن که تمامی تأویلات و توجیهاات اینان یکی پس از دیگری فرو می ریزد و در نهایت چاره‌ای نمی یابند جز آن که زبان به اعتراف گشوده و بر دلالت حدیث غدیر به امامت حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله اقرار نمایند؛ اما باز راه دیگری در پیش گرفته و یکی از علمای متأخر آنان می گوید:

«چه دلیلی داریم که این امامت را به معنای حاکمیت و ریاست بدانیم؟ چه بسا امامت او باطنی باشد و ابوبکر و جانشینان او، امام ظاهر و آشکار باشند!»

(۱). این روایت را گروهی از علمای اهل سنت از جمله احمد بن حنبل، ابونعیم اصفهانی، شبلی، خوارزمی، عمر ملّا، عبدالقادر

طبری و ... نقل کرده‌اند. ر. ک: نفحات الأزهار فی خلاصه عقبات الأنوار: ۲۷۴-۲۷۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۶۹

گویا که تقسیم امامت به مدعیان این سخن واگذار شده و ایشان نیز امامت باطنی را برای امیر مؤمنان علی علیه السلام قرار داده- چنان که صوفیه نیز مدعی آن هستند- و امامت ظاهری را برای دیگران در نظر گرفته‌اند! و گویا اینان نمی‌دانند که «مولی» به معنای رئیس، حاکم، صاحب اختیار و معانی این چنینی می‌آید؛ معانی که همگی بر حاکمیت و ریاست دلالت دارد. «۱»

### بین غدیر و حوض کوثر ... ص: ۶۹

و به این ترتیب غدیر آخرین مرحله و جایگاه ابلاغ و اعلام امامت حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام بود، با این تفاوت که در این مرتبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کنایه و اشاره سخن نگفت؛ بلکه با صراحت و آشکارا مطلب خویش را بیان فرمود و بی‌گمان آن چه فرمود در بیان مقصودی که داشت جامع و کامل بود که اگر چنین نبود آیه «اکمال دین» از جانب خدای متعال نازل نمی‌شد که

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»؛ «... ۲»

امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم...

(۱). ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصه عقبات الأنوار: ۸۹-۱۱۳.

(۲). سوره مائده: آیه ۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۷۰

البته در همان روز پیش از خطابه پیامبر «آیه تبلیغ» نیز فرود آمده که در آن، تأکید خدای متعال بر تبلیغ این پیام به تهدید پایان یافته بود که:

«وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ «۱»

و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

و در این هنگام تهدید و هشدار از سرکشی مخالفان و تحریف و تغییر در امر الهی صورت گرفت و چه زود و سریع تحریف و سرکشی به وقوع پیوست!

به راستی رسول خدا صلی الله علیه و آله آن چه را که بر عهده‌اش بود به طور کامل انجام داد؛ اما در واپسین روزهای عمر شریف خود، در حالی که پس از آن هرگز بسیاری از آنان را نمی‌دید؛ ولی از تصمیم آنان بر آن چه که می‌خواستند انجام دهند نیک آگاه بود...

و چه زود و سریع به وقوع پیوست!...

گرچه پیامبر صلی الله علیه و آله منزلگاه بعدی را به آنان یادآور شده بود؛ همان وادی که دوباره همگی در آن گرد می‌آمدند و بر او وارد می‌شدند! و بی‌تردید آن بزرگوار با کلام خویش بین «آبگیر کوچک غدیر» و «دریای پهناور کوثر» پیوندی ناگسستنی ایجاد کرد؛ آن هنگام که فرمود:

(۱). سوره مائده: آیه ۶۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۷۱



أيتها الناس! ألا تسمعون؟

ای مردم! آیا همگی سخن مرا می‌شنوید؟

پاسخ دادند: آری می‌شنویم.

حضرت فرمود:

فإني فرط على الحوض وأنتم واردون على الحوض؛

من در رسیدن به حوض کوثر بر شما پیشی می‌گیرم و شما در آن جا بر من وارد می‌شوید.

البته اعتقاد به حوض کوثر امری ضروری است؛ زیرا که پنجاه نفر از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله حدیث آن را نقل نموده‌اند (۱) و حتی برخی از بزرگان منکر آن را کافر شمرده‌اند.

آری، کوثر را به آن‌ها یادآوری کرد تا آنان سخنی را که پیش از آن گفته بود به یاد آورند. حضرت فرموده بود:

أنا فرطكم على الحوض وليرفعن رجال منكم، تم ليختلجن دوني، فأقول: يا رب أصحابي!

فیقال: إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك؛

من پیش از شما در کنار حوض کوثر خواهم بود و شما بر من وارد خواهید شد؛ اما برخی از شما کنار زده می‌شوید و از من دور

(۱). لقط اللالی المتناثره: ۲۵۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۷۲

می‌گردید و من عرض خواهم کرد: پروردگارا! اینان اصحاب من هستند! لیک ندا خواهد آمد: تو نمی‌دانی که این‌ها بعد از تو چه کارهایی انجام دادند!

در روایتی دیگر ادامه این حدیث چنین آمده که حضرت فرمودند:

فأقول: سحقاً سحقاً لمن غير بعدی؛ (۱)

و من خواهم گفت: از رحمت خدا به دور باد آن که پس از من مرتد شده و یا دینم را تغییر داد.

ظاهر عبارت آن است که مقصود پیامبر خدا صلی الله علیه وآله تنها مردان نبوده، بلکه همه اصحاب از زن و مرد را در نظر داشته است و به یقین عایشه نیز در زمره آنان بوده است؛ زیرا روزی به او گفتند: آیا پس از وفات، تو را در نزد رسول خدا به خاک بسپاریم؟

او پاسخ داد: من بعد از او کارهایی انجام داده‌ام که بهتر است مرا در کنار دیگر همسران وی دفن کنید.

از این رو او را در بقیع به خاک سپردند. (۲)

(۱). این حدیث در دو صحیح بخاری و مسلم و دیگر صحاح و منابع دیگر آمده است. ر. ک: صحیح بخاری: ۸۷/۴، باب فی الحوض.

(۲). المستدرک علی الصحیحین: ۶/۴. وی این روایت را بنا بر نقل شیخین صحیح دانسته است؛ المعارف: ۱۳۴ و منابع دیگر.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۷۳

بلکه به یقین می‌توان گفت که سخن پیامبر خدا صلی الله علیه وآله شامل تمام کسانی می‌شود که هم این واقعه تاریخی را تحریف کرده و تغییر دادند و هم چنین همه آنان که تا روز رستاخیز چنین کنند.

و سرانجام همگی در کنار حوض بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وارد خواهند شد.

پروردگارا! ما به آن چه تو نازل فرموده‌ای ایمان آورده و از رسول تو پیروی نموده‌ایم؛ پس ما را در زمره شاهدان قرار ده و آخرین سخن ما این است که تمام حمدها و سپاس‌ها از آن خداوندی است که پروردگار جهانیان است و صلوات خدا بر حضرت محمد و خاندان پاک او باد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۷۵

۱. قرآن کریم.

الف

۲. الإستیعاب: ابن عبدالبرّ، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۳. أسد الغابه: ابن اثیر جزری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۴. اسنی المطالب فی أحادیث مختلفه المراتب: ابن درویش الحوت، مکتبه التجاریه الکبری، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۵۵.

۵. الامالی: ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، مؤسسه بعثت، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۶. انسان العیون مشهور به السیره الحلیّه: علی بن برهان الدین حلبی، مکتبه مصطفی بابی حلبی، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۸۴.

ب

۷. البدایه والنهایه (تاریخ ابن کثیر): اسماعیل بن عمر قرشی بصری معروف به ابن کثیر، چاپ دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۰۷.

ت

۸. تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک): سلمان بن احمد بن ایوب لخمی طبری، از منشورات کتابفروشی ارومیّه، قم، ایران.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۷۶

۹. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۱۰. تفسیر ثعلبی (الکشف والبیان): امام ثعلبی، نشر مصطفی بابی حلبی، مصر، سال ۱۳۸۸.

۱۱. تفسیر فرات: فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق محمد کاظم، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۰.

ح

۱۲. حلیه الأولیاء: ابونعیم اصفهانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۸.

خ

۱۳. الخصائص: عبدالرحمان احمد بن شعیب نسائی، مجمع احیاء الثقافه الإسلامیه، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

د

۱۴. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۲۱.

ر

۱۵. الرياض النضره: محب الدین طبری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۷۷

س

۱۶. سنن ابن ماجه: ابن ماجه قزوینی، دار الجیل، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۸.

۱۷. سنن ترمذی: محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

۱۸. السنن الکبری: احمد بن حسین بیهقی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

ش

۱۹. شواهد التنزیل: حافظ عبیدالله بن احمد، معروف به حاکم حسکانی، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

ص

۲۰. صحیح بخاری: ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری جُعی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۲۱. صحیح مسلم: مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، مؤسسه عز الدین، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۷.

۲۲. الصواعق المُحرقة: ابن حجر هیتمی مکی، مکتبه القاهره، قاهره، مصر.

ط

۲۳. الطبقات الکبری: محمد بن سعد، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۷۸

غ

۲۴. الغدیر: علامه عبدالحسین احمد امینی، مرکز الغدیر، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

ف

۲۵. الفصول المهمه فی معرفه الأئمه: ابن صباغ مالکی، مکتبه دار الکتب التجاریه.

۲۶. فیض القدیر: محمد بن عبدالرؤف مناوی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

ک

۲۷. کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیهما السلام: محمد بن یوسف گنجی شافعی، مطبعه حیدریه، نجف اشرف، سال

۱۳۹۰.

۲۸. کنز العُمال: متقی هندی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

ل

۲۹. لقط اللالی المتناثره فی الأحادیث المتواتره: محمد مرتضی حسینی زبیدی.

م

۳۰. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: حافظ نورالدین علی بن ابی بکر هیشمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۷۹

۳۱. المستدرک: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۳۲. مسند احمد: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۳۳. المصنّف: ابن ابی شیبه، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۳۴. المعارف: ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قُتیبه، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۷.

۳۵. مناقب آل ابی طالب: محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی، ذوی القربی، قم، سال ۱۴۲۱.

۳۶. المناقب: ابن مغزلی، دار الأضواء، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۲۱۴.

۳۷. المناقب خوارزمی: خوارزمی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

۳۸. المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار: تقی الدین احمد بن علی مقریزی.

ن

۳۹. نفحات الأزهار فی خلاصه عبات الأنوار: آیه الله سید علی حسینی میلانی، قم، نشر الحقایق، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، غدیر آخرین جایگاه، ... ص: ۸۰

(۱۷)

## Ghadir, the Last Position for Public Declaration

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی



آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

